

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۱۳ جمعه ۲۱ تیر ۱۳۹۲،  
۱۲ جولای ۲۰۱۳ - ۱۲ صفحه

### انقلاب مصر:

## وقتی مفاهیم لنگ انداختند!

صفحه ۳

مصطفی صابر

## روحانی و اعترافی دیگر به شکست حکومت

صفحه ۴

شلا دانشفر

## رژیم قتل عام میکند! باید کاری کرد!

صفحه ۵

مینا احدی

## در پاسخ به فراخوان مینا احدی

صفحه ۶

بهروز مهربادی

## استراتژی سرنگونی است کلاهان را محکم بچسبید باد نبرد!

صفحه ۷

مینا احدی

## تاریخی که بی بی سی روایت میکند

صفحه ۹

یاشار سهندی

## زن آزاد

صفحه ۱۰

فرح صبری

## تمام قدرت به التحریر!

### نگاهی به تحولات مصر بعد از موری



حمید تقوایی

رانده شده و با پرچم اعتراض به کودتا و ارتش فعال شده است. اسلامیونی که از همان آغاز انقلاب تا امروز، در همان آخرین هفته های مبارک و بعد در دوره طنطاوی و بعد در دولت موری، مشغول همکاری و مذاکرات آشکار و پنهان و ساخت و پاخت با ارتش در برابر توده مردم انقلابی بودند حالا تلاش میکنند در نقش مدعی العموم جامعه مصر در برابر ارتش ظاهر بشوند. و از سوی دیگر ارتش هم ظاهر دفاع از مردم مخالف موری را بخود گرفته است.

کل این بساط علیه انقلاب بر پا شده است. دو نیروی ارتجاعی در نتیجه پیشرویهای انقلاب و در هراس از این پیشرویها بجان هم افتاده اند اما هدف هر دو در نهایت سر بردن انقلاب است. اولین شمره این وضعیت برای بالائی ها اینستکه عجلتاً در افکار عمومی و در رسانه ها "بزرگترین تظاهرات تاریخ" جای خود را به "درگیریهای خونین

هدف ارتش از برکنار کردن موری متوقف کردن انقلابی بود که با بزرگترین تظاهرات تاریخ معاصر میرفت "هرچه نشانی از نظم کهنه دارد" را در هم بریزد. اگر این موج با قدرت خود موری را مجبور به استعفا میکرد (امری که بسیار محتمل بود) دیگر نه ارتش و نه هیچ حزب و فرد و نهادی از طبقه حاکمه نمی توانست اوضاع را کنترل کند. دقیقاً بهمین دلیل بود که ارتش دخالت کرد. کودتای ارتش نه بخاطر ضعف انقلاب و یا ناتوانی جنبش توده ای ترمز در کنار زدن موری، بلکه برعکس از ترس قدرت جنبش ترمز و برای گرفتن ابتکار عمل از توده های انقلابی مردم صورت گرفت. اولین نتیجه کودتا که در همین تحولات یک هفته اخیر شاهد بودیم راندن اسلامیون هوادار موری به اپوزیسیون است. اقلیت هوادار موری و اخوان المسلمین که در برابر موج اعتراضات میلیونی کاملاً حاشیه ای و منزوی شده بود حالا به متن

قاهره" داده است، انقلاب به حاشیه رانده شده و ضد انقلاب میداندار شده است.

نتیجه دیگر برکناری موری بوسیله ارتش گسترش ابهام و انتظار در صف انقلاب است. انقلاب بنا به تعریف جنبش توده ای برای بزیر کشیدن حاکمیت است و انقلاب مصر نیز مانند هر انقلاب دیگری حول مساله دولت شکل و قوام گرفت و به پیش رفت. مبارک را ساقط کرد، به دولت طنطاوی مهلت تثبیت خودش را نداد و بالاخره موری را بقدرت

ادامه صفحه ۲

## امروز ملاله ۱۶ ساله میشود: تحصیل حق اساسی همه ماست!

صفحه ۱۰



"I think of it often and imagine the scene clearly. Even if they come to kill me, I will tell them what they are trying to do is wrong, that education is our basic right."

— Malala Yousafzai

## تمام قدرت به التحریر!

از صفحه ۱

"بزرگترین تظاهرات اعتراضی تاریخ" کنار زد. اما اکنون چه؟ ظاهراً انقلاب را تا اطلاع ثانوی به اتاق انتظار "تدوین قانون اساسی جدید" و تشکیل دولت بعدی فرستاده اند. دولت را موقتاً از تیررس انقلاب دور کرده اند و تلاش میکنند آن ده ها میلیونی که طومار "ارحل موری" را امضا کردند و التحریر و میادین و خیابانها در ده ها شهر را به لرزه درآوردند در انتظار فرو ببرند. در برابر این وضعیت چه باید کرد؟ انقلاب چگونه میتواند راه خود را بجلو باز کند؟

اولین نکته اینست که علیرغم جلو افتادن ارتش همچنان این قدرت انقلاب و توده مردم است که به تحولات شکل میدهد. دخالتگرهای ارتش هم در کنار زدن موری و هم اقدامات بعدی در واقع عکس العملی است به قدرت انقلاب و التحریر. آنچه بر مانورهای نیروهای ضد انقلاب حکم میراند هم قدرت بالفعل انقلاب است که تا همینجا همه بالائی ها را غافلگیر کرده است، و هم بویژه هراس از آینده و قدرت بالقوه انقلابی که ممکن است به هر بهانه ای دوباره اوج بگیرد و کل نظام ارتجاعی موجود را زیر و رو کند. ارتجاع بخوبی فهمیده است که توده مردمی که مبارک و موری را بزیر کشیده اند، از پس دولتهای سر هم بندی شده بعد از موری نیز نخواهند آمد و این واقعیت بالائی ها، ارتش و اسلامیون و آمریکا و دیگر نیروهای طبقه حاکمه را، بسیار محتاط و دست به عصا میکند.

با توجه به این شرایط باید گفت که وضعیت فعلی موقتی و گذرا است. نه تنها به این دلیل که ارتش وضعیت را موقت و در حال گذار اعلام کرده (که این خود یک

بازتاب قدرت خیابان است) بلکه به این خاطر که انقلاب دوباره اوج خواهد گرفت. شرایط حاضر سکتی ای در روند انقلاب است. همانطور که در نوشته قبلی توضیح دادم (رجوع کنید به انترناسیونال شماره قبل) مسائل توده مردم و اعتراض و "تمرد" آنها عمیق تر و پایه ای تر از آنست که با این نوع مانورها بتوانند سر انقلاب را ببرند.

اما بر متن این شرایط مساعد، ضعف صف انقلاب، همانطور که بارها تاکید کرده ایم، فقدان رهبری سیاسی و سخنگو و آلترناتیوی است که در عرصه مبارزه و کشمکش بر سر قدرت سیاسی بتواند توده انقلابی مردم را نمایندگی کند. انقلاب سر ندارد و این بزرگترین ضعف آنست. به کمک مدیای اجتماعی و خودسازماندهی و تاکتیک اشغال میادین و غیره میتوان دولتها را بزیر کشید اما نمیتوان قدرت را بدست گرفت. مساله فقط بر سر وضعیت بعد از سرنگونی نیست بلکه نفس اینکه روند انقلاب چه شکلی بخود بگیرد و چطور به پیش برود تماماً به وجود یک نیروی سخنگو و نماینده و رهبری کننده انقلاب بستگی دارد. تجربه انقلاب مصر از آغاز تا امروز بطور برجسته ای این واقعیت را در برابر چشم همگان قرار داده است. اگر انقلاب رهبر و نماینده خود را میداشت، اسلامیون و ارتش در عکس العمل در مقابل انقلاب و دولتسازی در دوره بعد از مبارک نمیتوانستند به شکل فعلی جلو بیافتند و عرض اندام کنند. همین امروز در مذاکراتی که در مورد دولت موقت و دولت آتی و تدوین قانون اساسی و غیره در جریان است صف انقلاب و توده مردم تماماً غایبند. حتی سلفی ها را هم وارد بازی کرده اند اما میدان التحریر و آن سی و سه ملیونی که خیابانها را به لرزه

درآوردند، نمایندگی نمیشوند. بعد از سقوط مبارک هم همین اتفاق افتاد. التحریر مبارک را بزیر کشید اما اخوان المسلمین که از پیاده روها اوضاع را نظاره میکرد به راس قدرت رانده شد. اسلامیون میدانستند مبارک که برود رقیبی نخواهند داشت. امروز انقلاب از روی آنها هم رد شده است اما مساله کماکان بی آلترناتیوی انقلاب در عرصه قدرت سیاسی است.

انقلاب به رهبری نیاز دارد نه تنها برای سازمانیافتن و ساقط کردن، که امروز به یم تکنولوژی مدیای اجتماعی عمدتاً به وسیله توده مردم امکانپذیر شده است، بلکه بویژه برای جمع کردن محصول انقلاب یعنی خلع ید کامل سیاسی از یک درصدها و بدست گرفتن قدرت سیاسی بوسیله توده مردم. مردم باید نه در مبارزه و تعرض بلکه در بدست گرفتن قدرت سیاسی و اداره جامعه نیز حضور قدرتمندی داشته باشند و این دومی تنها با حضور فعال یک نیروی رهبری کننده، و حزب و چهره ای که

نماینده انقلاب باشد امکانپذیر است. خیابان باید در کردورهای قدرت نیز حضور خود را اعلام کند، باید در روند تدوین قانون اساسی و شکلدهی به نهادهای حاکمیت و در کردورهای قدرت نیز حضور داشته باشد و این دیگر با خودسازماندهی و مدیای اجتماعی ممکن نیست. به حزبیت و سازماندهی حزبی انقلاب نیاز دارد.

شکل و شیوه و ساختار اعمال اراده توده مردم بعنوان دولت در برنامه حزب ما، یک دنیای بهتر، روشن و اعلام شده است. توده مردم باید خود بعنوان دولت سازمان پیدا کنند و سرنوشت سیاسی و اداره امور جامعه را در دست بگیرند. کلید مساله تشکیل نهادهای توده ای اعمال قدرت نظیر شوراهای و شکل دادن به دولتی است که پایه و اساس آنرا نه پارلمان و انتخابات نیابتی، بلکه شوراهای بعنوان ارگانهای قانونگذار و مجری قانون تشکیل میدهد. امروز دیگر سربلند کردن توده مردم بعنوان حکومت و قدرت دولتی صرفاً یک امر ایده ال

و یا نظری نیست بلکه ضرورت عاجل زمانه ما است. جنبش ضد کاپیتالیستی اشغال در غرب یک بروز این ضرورت بود و امروز انقلاب مصر نیز در هر گام و تند پیچ خود بر همین ضرورت سازمانیافتن مردم بعنوان ارگانهای اداره امور جامعه تاکید میکند. اولین وظیفه نیروی رهبری کننده انقلاب در مصر گذاشتن همین افق در برابر جامعه و سازمان دادن توده انقلابی مردم برای اعمال قدرت خود است. توده مردم باید بعنوان دولت متشکل شوند و سرنوشت سیاسی خود را بدست بگیرند اما برای تحقق این امر نیروی لازمست که با شعار "تمام قدرت به التحریر" در راس انقلاب قرار بگیرد. انقلاب مصر میتواند ناگزیر است در مسیر خود چنین نیروی را نیز بسازد و بجلو براند. برای عقب راندن و خنثی کردن ارتش و اسلامیون و دموکراسی پناهمانی نظیر البرادعی و یا هر نیروی مدافع نظام موجود که ممکن است در آینده قد علم کند، راه دیگری وجود ندارد.\*

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود. مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## انقلاب مصر: وقتی مفاهیم ننگ انداختند!



مصطفی صابر

اینروزها دل سنگ هم برای بورژوازی مبهوت و متحیر عصر ما ریش میشود. طفلکی خودش و متفکرین و ژورنالیست هایش داشتند یواش یواش خیالشان راحت میشد که بحران اقتصادی عظیم ۲۰۰۸ و توابع سیاسی اجتماعی آن (از "بهار عربی" گرفته تا "جنبش اشغال" و "شورش هیچ بودگان در انگلیس و غیره) را کم و بیش از سر گذرانده اند. اما بناگاه در عرض دو ماه گذشته وقایعی رخ داد که رنگ از رخ حضرات تماما ربود. تظاهرات های عظیم و زلزله وار در ترکیه و برزیل از جمله اینها بود. دو کشوری که در سالهای بحرانی اخیر در حال "رشد" بودند و قرار بود الگویی برای مردم کشورهای اسلام زده و ایضا آمریکای لاتین باشند. تازگی خبر میرسد که علاوه بر تداوم کجدار و مریز "بحران منطقه یورو"، وضع اقتصادی چین هم تعریفی ندارد. اگر این "بهار عربی" کدایی هوس کند و سری به دیار چین بزند آنوقت دنیا چه خواهد شد؟ بقول فارسی درخت گردکان به این بزرگی، درخت خریزه الله و اکبر! ...

اما وحشتناکتر از همه طوفانی غریبی بود که در دو سه هفته گذشته در مصر به پا شد. جایی که فکر میکردند که بالاخره جامه "بهار عربی" را بر تن انقلاب اجتماعی کارگران و مردم محروم دوخته اند و با وصله و پینه

ارتش / اخوان المسلمین / صندوق رای، توانسته اند حتی الگویی حکومتی نیز به سایر "بهار عربی" های منطقه ارائه دهند. اما انقلاب مصر. این موجود چموش و سرکش - در عرض سه چهار روز هرچه که بورژوازی از ژانویه ۲۰۱۱ تا کنون رشته بود، را پنبه کرد. نه فقط قالب "بهار عربی" را پاره پاره کرد و با هیبت هراسناک تر "بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر" از آن بیرون زد، نه فقط پته صندوق رای و دمکراسی بعنوان حقه طلائی بورژوازی برای به خانه فرستادن انقلاب را بر آب ریخت، بلکه الان خود حضرات مانده اند که آخرین تحول آنرا (یعنی برکناری مرسی توسط ارتش زیر فشار انقلاب) را چه بنامند. انقلاب؟ کودتا؟ بحران؟ تحول پرودمکراسی؟ چه؟

برای اینکه موقعیت مضحک بورژوازی در این وادی کم آوردن مفهوم را دریابید فقط به این فکر کنید که در این ماجرا جناب البرادعی سوگلی "لیبرال دمکراسی" در مصر طرفدار کودتا

شده است و فلان شیخ یشم الدین اخوان المسلمین شده است طرفدار دمکراسی! اسد آدمکش نوچه خامنه ای برای خلع حکومت اخوانی ها در مصر هورا کشید و علیه "اسلام سیاسی" رجز خواند و سناتور مک کین آمریکایی که همواره علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی بوده یقه اوایما را گرفته تا خلع اخوانی ها را کودتا قلمداد کند. جالبتر شاید نوشته صادقانه یکی از خبرنگاران بی بی سی فارسی بود که شرح سرکیجه گرفتن بی بی سی در "کودتا یا انقلاب" نامیدن برکناری مرسی را به رشته تحریر در آورده اعتراف کرده بود که "مصری ها در سالهای اخیر همه تعاریف کلاسیک را بهم ریخته اند".

اما این کم آوردن مفهوم نیست. کم آوردن بورژوازی است. این فقط بهم ریختن تعاریف کلاسیک نیست، بلکه انعکاسی از بهم ریختن کل نظم موجود است! برای اینکه به افراق و مبالغه گویی متهم نشوم یک آن اجازه دهید خیلی فشرده به واقعیت برگردیم.

قدرت واقعی در مصر در دست ارتش بوده و هست. مبارک را ارتش به پس صحنه راند تا مگر انقلاب را رام کند و نشد. سپس ژنرال طنطاوی آمد و تلاش کرد با حکومت نظامی انقلاب را بترساند اما نترسید. برعکس چنان عقبش راند که به حکومت اخوان المسلمین و حکمیت صندوق رای متوسل شد. حالا ارتش خود مجبور شده علیه اخوان المسلمین و صندوق رای کودتا کند تا مگر در گام بعدی سرانقلاب را با امثال البرادعی شیره بمالد و نهایتا آنرا بخون بکشد. اما آیا این "موش کور" (اصطلاح مارکس برای انقلابات قرن نوزدهمی) که بسیار ماهرانه تر و عمیق تر در این قرن بیست و یک نقب میزند به این آسانی فریفته نقشه های زمخت و باسمه ای بورژوازی و ارتش اش میشود؟ تا بحال که بنحو شگرف و خیره کننده ای او همه را پیچانده است. آیا روشن نیست که این گه گیجه ای که از اوایما گرفته تا خبرنگار فلان رسانه رسمی به آن دچار شده اند، ناشی از ناروشنی خوفناکی است که این موجود رام ناشدنی و غیر قابل پیش بینی یعنی انقلاب مصر در دل کل نظم

موجود انداخته است؟ سرنوشت مصر چه میشود؟ تاثیر آن در کل منطقه و جهان چیست؟ چطور این خیزش عظیم و میلیونی انسانی را رام کنند؟ این قطار براه افتاده "داغ لعنت خوردگان" که هر دم امواج عظیم تری را با خود همراه میکند قرار است کجا متوقف شود؟ این التحریک که تا همینجا معادلات و مفاهیم تکنونی را بهم ریخته بعد از این چه از آستین خود بیرون خواهد آورد؟ نه کودتا و نه دمکراسی و نه ترفندهای شناخته شده دیگر حریف آن نشده است، پس با آن چه باید کرد؟ اینها سوالاتی است که ذهن بورژواها را به خود مشغول کرده است.

اما التحریک هنوز شگفتی های بیشتری در چنته دارد. چرا؟ چون آن توده های عظیم و میلیونی سازنده اش، همان کسانی که مارکس آنها را "گورکنان سرمایه داری" نامید جوابی نگرفته اند، به خواسته هایشان نرسیده اند، آینده روشنی پیش روی خود نمی بینند. التحریک تازه طعم قدرت خود را چشیده و تنها مایه امیدش هم فقط همین است. پس آنرا بسط خواهد داد.\*



## روحانی و اعترافی دیگر به شکست حکومت



شلا دانشفر

وقتی که جانیان و مرتجعین و دزدان حاکم در حرف "اصلاح طلب" میشوند برای ما مردم فقط یک پیام مهم دارد. اینکه: ما مردم موفق شده ایم، ما حکومت را شکست داده ایم. این را به تجربه دیده ایم که اینها حتی به قوانین ارتجاعی خودشان هم پایبند نبوده اند و نیستند. چه رسد به اصلاحاتی به نفع مردم.

اخیرا حسن روحانی رئیس جمهور جدید هم که خود از سران و طراحان و جنایتکاران اصلی حکومت بوده است مثل احمدی نژاد به خیل "اصلاح طلبی" پیوسته است. ایشان تازه فهمیده است که حجاب نباید اجباری باشد. گشت ارشاد و توهین و تحقیر زنان خوب نیست. جداسازی جنسیتی عملی نیست و الی آخر. او در گفتگویی با مجله چلچراغ ظاهرا بر سر "یکسری مسایل فرهنگی" صحبت میکند. ولی بطور واقعی بحث بر سر جهت گیری جمهوری اسلامی از نظر جناب رئیس جمهور تازه حکومت اسلامی است. از مساله حجاب زنان و طرحهای تبعیض جنسیتی گرفته تا وضع جوانان و گشت های ارشاد رژیم، از موزیک، فوتبال، کتاب و غیره گرفته تا فیلترینگ سایتها و معضل ماهواره ها همه و همه از جمله موضوعات مورد بحث در این گفتگو است.

روحانی از جمله یک پای سرکوب اعتراضات دانشجویان در

۱۸ تیر ۷۸ و در کنار فلاحیان و تنی چند از یاران رفسنجانی عضو "کمیته ویژه" سازماندهی ترورهای مخالفان رژیم اسلامی در خارج کشور در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی است. اینکه این آخوند یکباره چهره "اصلاح طلب" به خود میگیرد، موضوع چیست؟

روحانی در این گفتگو تحت عنوان اینکه عقیف بودن "چیزی فراتر از حجاب است" (عجب!) و اینکه قبل از انقلاب زنان زیادی در جامعه ما حجاب نداشتند و عقیف بودند سخن میگوید و در مخالفت با تفکیک جنسیتی در دانشگاهها و اینکه در جامعه پیچیده و پر از ارتباطات امروز تفکیک جنسیتی هیچ کاربردی ندارد، حرف میزند. او مخالفتش را با اعمال محدودیت های "فراقانونی" علیه دختران و زنان از جمله ممانعت ورود زنان به استادیوم آزادی و محروم شدن از برخی رشته های ورزشی اعلام میکند.

نگاهی به اتفاقات همین دوره به روشنی جواب سؤال ما و علت اینکه چرا روحانی در مورد پایه ای ترین مبانی شرعیاتشان به اینجا رسیده را روشن میکند. در همین مدت زنان و دختران در جشن های خیابانی ای که بعد از مضحکه انتخابات و به مناسبت پیروزی تیم فوتبال ایران برپا شد، عملا حجاب ها را تماما برداشتند و دختر و پسر دست در دست هم در وسط خیابان رقصیدند و دیوارهای آپارتمان جنسی را شکستند. در برابر چنین اتفاق سیاسی مهمی واقعا چه گریزی برای روحانی و جمهوری اسلامی باقی می ماند؟ سخنان روحانی قبل از هر چیز نشانه شکست و استیصال رژیم اسلامی در مقابل جنبش آزادی زن در ایران و مبارزات مردم است. قبل

از او احمدی نژاد و بعد حتی جلادی همچون احمدی مقدم در کارنامه شکستشان در سال ۹۱ به این شکست اذعان کرد و گفت: "نمی توانیم مانند عربستان افرادی را استخدام کنیم، چوب دستشان دهیم و بگوئیم مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنید. نباید کاری کنیم که در جامعه نسبت به این موضوع حس تنفر ایجاد شود. باید بتوانیم با استفاده از ابزار جدید مانند رسانه و ابتکارات فرهنگی این موضوع را اجرایی کنیم!" احمدی مقدم درست میگوید. نمیتوانند و نتوانستند.

سخنان روحانی ادامه همین داستان است. مگر نه اینکه در همین مضحکه انتخاباتشان خامنه ای برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای شان اعلام داشت که در خارج کشور زنان بی حجاب نیز میتوانند در رای گیری شرکت کنند؟ آیا همه این سخنان چیزی جز مجبور کردن رژیم به نوشیدن جام زهر و تن دادن به حقیقتی که امروز در جامعه ایران جریان دارد، است؟ جامعه ای که به حجاب، تبعیض جنسیتی و قوانین ارتجاعی اسلامی تن نداده است.

روحانی در بخش دیگری از سخنانش از اینکه فضای دانشگاه با آزادی شکوفا میشود حرف میزند، از این میگوید که فیلترینگ گسترده جز این که دیوار بی اعتمادی میان مردم و دولت را بیشتر می کند و به اقتصاد ما ضربه می زند، خاصیت دیگری ندارد و مانع توسعه کاربری های مثبت اینترنت در ایران می شود حرف میزند. مثال بارزش نیز دوره "اصلاحات" یعنی دوره حاکمیت خاتمی است. او که خود از سرکوبگران مبارزات دانشجویان در ۱۸ تیر ۷۸ است، تصور میکند که مردم ایران این جنایات

و قتل های زنجیره ای دوره مورد نظر ایشان را فراموش کرده اند. روحانی در این میان احساساتی شده و اندر باب نمادهای "غرور ملی و فرهنگ و تمدن ایرانی" همچون شاهنامه فردوسی صحبت میکنند. همانطور که قبل از او نیز احمدی نژاد از منشور "کوروش" رونمایی کرد. توسل به ایرانی گری و افتخارات ملی تلاش دیگرست از سوی کسانی چون روحانی و احمدی نژاد و مشایی و غیره برای کسب مشروعیت در مقابل مردمی که جمهوری اسلامی و قوانینش را نمیخواهند.

روحانی در سخنانش از این میگوید که نباید خط قرمزها را دائم سخت گیرانه کرد و باید نشان داد که سانسور هدف نیست. او میگوید که من به طور کلی مخالفت با شیوه های خشن برخورد با استفاده کنندگان از ماهواره را اعلام کرده ام و معتقدم در عصر انقلاب دیجیتال، نمی توان در قرنطینه زندگی و حکومت کرد! (واقعا؟). باز هم جالب است که قبل از او نیز احمدی مقدم باز در همان کارنامه سال ۹۱ خود دقیقا بر همین اشاره دارد، او میگوید: "در حالی که استفاده از ماهواره ۵۰ درصد کاهش یافته است، هنوز ۱۴ میلیون ایرانی ماهواره ای است. به اعتراض خود او ۱۴ میلیون ماهواره می بینند و بدون شک بخش بسیاری از آنها نیز همان هنگام که احمدی مقدم این کارنامه را ارائه میدهد، دوباره بساط ماهواره خود را بر پا کرده اند.

این کارنامه جمهوری اسلامی بعد از اینهمه طرحهای محله محور و حمله به محلات برای جمع کردن دیشهای ماهواره ای است. به اعتراض خود او ۱۴ میلیون ماهواره می بینند و بدون شک بخش بسیاری از آنها نیز همان هنگام که احمدی مقدم این کارنامه را ارائه میدهد، دوباره بساط ماهواره خود را بر پا کرده اند. در چنین فضایی از جامعه

است که روحانی ناگزیر میشود با چنین ژستی وارد کارزار شود.

اما در لابلای همین سخنان هراس و وحشت روحانی و سران این حکومت را از جنبش اعتراضی مردم می بینیم. بطور مثال روحانی وقتی از آزادی در دانشگاه حرف میزند تاکید بلافاصله اش اینست که البته بعد از چندین سال برخورد پلیسی با دانشگاه، طبیعی است که "آزادی دادن در ابتدا سبب بروز برخی رفتارها هم می شود!"

همانگونه که اشاره شد تجربه نشان داده است که با این حرفها قرار نیست تغییری در رفتار و جنایات حکومت ایجاد شود. اینها همان جنایتکاران سابقند و همین امروز نیز هرجا که بتوانند مشغول جنایتند. روحانی همه این حرفها را میزند، اما در همین مدت دهها نفر اعدام شده اند، دو نفر به سنگسار محکوم شده اند، افشین اسانلو کارگر معترض را در زندان و زیر شکنجه کشتند، حکم قطع دست دادند، فشار بر روی فعالین کارگری ادامه یافته و آنها را مورد محاکمه قرار داده اند و از جمله رضا شهابی را به ۷۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم کرده اند و در برابر سعید مرتضوی جنایتکار منفور را به خاطر قتلها و تجاوزات و جنایات متعدد در کهریزک و جاهای دیگر به ۲۰۰ هزار تومان جریمه محکوم کردند. در واقع این ۲۰۰ هزار تومان از زهر برای حکومت تلخ تر است چون زیر فشار اعتراضات خانواده های قربانیان و همه مردم بجای جایزه به او جریمه داده اند.

در این میان جریانات ملی اسلامی و رسانه های معلوم الحالی مثل بی بی سی و صدای آمریکا مردم را به انتظار و

## رژیم قتل عام میکند! باید کاری کرد!

در مورد مبرمیت یک حرکت گسترده بین المللی علیه اعدام ها در ایران!



### به احمد شهید بگوئید لااقل کاری کند شهرام را اعدام نکنند!

شهرام احمدی به اعدام محکوم شده و در رجایی شهر است او جزو ۲۶ محکوم به اعدام اهل سنت است که هر لحظه ممکنست اعدام شوند.

طبق پیامی که از طرف این مادر رنجیده به دست ما رسیده ایشان از احمدی شهید درخواست دارند کاری کند شهرام را اعدام نکنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از احمد شهید میخواهد که پیام این مادر داغدار را شنیده و برای نجات شهرام احمدی زندانی محبوس در زندان رجایی شهر اقدام کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۰ جولای ۲۰۱۳

این پیام مادر بهرام و شهرام احمدی است، که به دست ما رسیده است. کمیته بین المللی علیه اعدام در یک اطلاعیه در مورد این مادر داغدار نوشت که روز چهارشنبه هفته گذشته وقتی در سالن ملاقات زندان رجایی شهر بود برای دیدار با دو فرزندش به او گفتند که بهرام احمدی یکی از فرزندان او را شش ماه قبل اعدام کرده اند و به خانواده او هیچ خبری نداده اند. این مادر رنجیده با شنیدن این خبر از هوش رفت و در بیمارستانی در تهران بستری شد. او بعد از چند روز کمی بهبود یافته و اولین درخواستش از همه ما و نهادهای علیه اعدام اینست که کمک کنید شهرام را اعدام نکنند.

هم داده و کاری نکنند.

از ویلاگ نویسان و دست اندرکاران سایتهای اینترنتی و نسل جوان دعوت میکنیم با دامن زدن به یک موج اعتراض در همه این رسانه های اجتماعی اخبار اعدامها را وسیعاً منتشر کرده و به یک جنبش علیه اعدام در مییای اجتماعی دست بزنند.

از احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همه نهادهای علیه اعدام و شخصیت های سیاسی ضد جمهوری اسلامی دعوت میکنیم که در یک اقدام دسته جمعی اولاً این موج وحشیانه اعدامها را متحذانه محکوم کرده و دسته جمعی به یک حرکت اعتراضی در همه جای دنیا و در ایران دست بزنند. ما پیشنهاد یک هفته جهانی علیه اعدامها در ایران را در فاصله شنبه ۱۳ ژوئیه تا شنبه ۲۰ ژوئیه را داریم.

باید بتوانیم در یک اقدام مشترک و همه جانبه در هر جایی که امکانش را داریم تحصن سازمان داده، در مقابل پارلمانها در کشورهای اروپایی، در مقابل اتحادیه اروپا و در مراکز شهرها موجی از اعتراض به اعدامها در ایران به راه بیاندازیم. جمهوری اسلامی ایران باید ببیند ما نظاره گران خاموش این فجایع نیستیم. و فعلاً به این قتل عام زندانیان و جوانان در ایران معترضیم. بکوشیم با بیشترین ابتکارات و در اقدامی عاجل و همه جانبه جلوی این خونریزی وحشیانه حکومت اسلامی را بگیریم. از پیشنهادات و نظرات همه شما استقبال میکنیم.

مینا احدی - کمیته بین المللی علیه اعدام ۹ ژوئیه ۲۰۱۳

Mina Ahadi  
0049 (0) 1775692413  
minnaahadi@gmail.com  
minaahadi-iran.blogspot.co.uk

نیست.

سفارت افغانستان در تهران با انتشار یک نامه خبری از اعدام ۱۲ شهروند افغانستان "در ارتباط با جرایم قاچاق مواد مخدر" در ایران خبر داده است

دو متهم به قتل و یک متهم به قاچاق مواد مخدر سحرگاه روز دوشنبه ۸ ژوئیه در زندان مرکزی کرمانشاه (دیزل آباد) اعدام شدند

سحرگاه دوشنبه سه زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر در زندان مرکزی اردبیل اعدام شدند دادستان قزوین مدعی شد سحرگاه دوشنبه در زندان چوبیندر قزوین ۳ متهم مواد مخدر و ۲ متهم به قتل اعدام شدند.

طبق خبری که به کمیته علیه اعدام رسیده ۲۶ زندانی در رجایی شهر در خطر اجرای فوری احکام اعدام هستند. اسامی این ۲۶ نفر به دست ما رسیده است که در یک گزارش آنرا اعلام کردیم.

### دوستان گرامی!

طبق همین آمار که کامل نیست حدود ۱۰۰ نفر در همین بیست روز اخیر در ایران اعدام شده اند. اخبار حاکی از زمینه سازی رژیم برای اعدامهای بیشتر است و بهمین دلیل ما باید کاری کنیم!

### پیشنهادات ما اینها است

در ایران خانواده هایی که عزیزان آنها در زندان هستند و در خطر اجرای حکم اعدام، باید با همدیگر تماس گرفته و برای حرکات دسته جمعی در مقابل در زندانها، مقابل مجلس حکومت اسلامی و بیت رهبری باهم مشورت کنند. نباید منتظر بود و خبر اعدامها را شنید باید هزاران نفر خانواده هایی که نگران جان و امنیت فرزندان خود هستند دست به دست

**دوستان گرامی، فعالین علیه اعدام، جوانان، احزاب و تشکلهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی، مردم آزاده ایران و افغانستان و دنیا!**

یک هفته بعد از انتخابات کذایی حکومت اسلامی ایران، در زندانها آرامش بود و بعد از آن، موج گسترده ای از اعدامها در همه جا آغاز شد. به این آمار توجه کنید!

اولین اعدام بعد از مضحکه انتخابات در ایران، مجید افضلی در رجایی شهر ۳۶ ساله ۲۰ ژوئن سالگرد سی خرداد اعدام ۴ نفر در شهر کرد اتهام مواد مخدر اعدام قباد فیوج در ملا عام در شهر کرد

اعتراض و راهپیمایی مردم علیه اعدام در همان محل . قتل ۲۵ نفر در دو زندان روزه های سه شنبه و چهارشنبه ۲ و ۳ ژوئیه ۲۵ نفر در زندان قزل حصار و رجایی شهر اعدام شدند.

اعدام دو جوان ۲۰ و ۲۴ ساله را در کرج و در ملا عام اعدام ۶ نفر در شهرستان بم در روز پنجشنبه

افشین اسانلو یک فعال کارگری در زندان رجایی شهر، با توطئه حکومت اسلامی به قتل رسید. ۱۱ نفر روز شنبه ۶ ژوئیه در زاهدان اعدام شدند. ۵ نفر از این اعدام شدگان زن بودند.

۷ نفر در لاکان اعدام شدند. طبق گزارش خبرگزاری هرانا باامداد روز شنبه ۳۱ فروردین ماه، در یک اعدام گروهی و مخفیانه تعدادی از زندانیان زندان مرکزی بیرجند به دار آویخته شدند. یکی از اعدام شدگان روز شنبه علی آرنگ ۳۱ ساله که بیش از ۳ سال در زندان بسر می برد نام دارد. هنوز از آمار دقیق اعدام شدگان روز شنبه خبری در دست

## در پاسخ به فراخوان مینا احدی



بهروز مهرآبادی

فضای شدیدتر پلیسی و امنیتی کشور و اعلام تهاجم گسترده تر به حریم زندگی خصوصی مردم و حمله به هر گونه حرکت سیاسی و اجتماعی مخالف جمهوری اسلامی است.

در این میان سکوت گروهها و احزاب مختلف سرمایه داری در مقابل توحش و جنایات جمهوری اسلامی را نمی توان ندیده گرفت. رادیوهای فارسی زبان وابسته به دولت‌های غربی نظیر بی بی سی، صدای آمریکا و رادیو فردا خبر اعدام ها را پخش نکرده و یا حداکثر بعنوان نکته ای حاشیه ای در کنار تبلیغ موزیانه برای روحانی به آن پرداختند. کشف رمز و رازهای "بانوی اول" جمهوری اسلامی و یا موضوع پخش "ربنا" با صدای شجریان از رادیو و تلویزیون، برای این رسانه ها موضوع های مهمتری هستند که برای چندین روز در صفحه اول آنها بمانند. گروههای مختلف اصلاح طلب و حتی گروهها و شخصیت

جمهوری اسلامی از خزینه انتخابات، همچنان کثیف و پلید و بحرانی تر بیرون آمد. اجماع باندهای مختلف نظام در برگزیدن حسن روحانی بعنوان رئیس جمهوری، از وحشت و نگرانی رژیم کم نکرد. اعدام بیش از صد نفر در هفته های اخیر نشانه ای از این وحشت و تلاش برای گسترش و تحکیم فضای ارعاب و سرکوب است. اطلاعاتی چند صفحه ای وزارت اطلاعات و امنیت با عنوان "توصیه های حفاظتی در محل سکونت و کار"، تاکید بر

و خارج از حکومت رژیم به همین شکل بصورت مکمل یکدیگر و بر علیه مردم عمل می کنند.

اپوزیسیون راست هم سرنوشت خود را به آینده جمهوری اسلامی گره زده و همچنان مضطرب و مشتاق در انتظار کرامات شیخ حسن روحانی، امکان سرمایه گذاری و بدست آوردن سهمی از بازار یغمای اقتصاد ویران ایران هستند. اگر اعدام و سرکوب به بقای حکومت سرمایه کمک می کند، چه باک! با سکوت میتوان آن را تائید و بیعت خود با حکومت اسلامی را اعلام نمود.

اما در مقابل موج سرکوب و اعدام سدی محکم در مقابل حکومت وجود دارد و در موارد مختلف توانسته آن را مهار کند. صف گسترده ای از کمونیست ها و آزادیخواهان، کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری که در راس آنها چهره های مبارز و شناخته شده جهانی چون مینا احدی، در مقابل توحش اسلامی ایستاده اند. آنها در ایران و در

های "حقوق بشر اسلامی" نظیر شیرین عبادی در مقابل این جنایات خفقان گرفته اند. حداکثر تلاش آنها بعد از مضحکه انتخابات نوشتن نامه به "رئیس جمهور منتخب" و استدعای مختصری فضای باز سیاسی برای فعالیت خودشان بوده است. از نیروهای سیاسی که خود زمانی در قدرت بوده و قوانین مربوط به اعدام و سنگسار و شکنجه را تصویب کرده و به اجرا گذاشته اند، از این بیشتر نمی توان انتظار داشت. در حالی که باند حاکم دست به کشتار و سرکوب بیشتری زده است، اصلاح طلبان در کنار باند رفسنجانی و حتی از داخل زندان های رژیم دم گرفته اند که توقعی نداشته باشید و دوره طرح مطالبات نیست. حملاتشان به احمدی نژاد در مورد بدهکاری های دولت و خزانه خالی، چه قبل و چه بعد از "انتخابات"، جز حقه بازی و فریب دادن مردم نیست. چندین سال است که باندهای حاکم

## چندین فعال کارگری در سندانج احضار و دادگاهی شدند

احکام صادره علیه کارگران دستگیر شده، تعداد بیشتری به بازداشت و تعرض بیشتری به کارگران خواهد کرد. این سیاست و تاکتیک رژیم اسلامی را باید با شکست مواجه کرد. باید به هر شکل ممکن اعتراض و مبارزه برای آزادی فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی را گسترش داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه رژیم خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۹ ژوئیه ۲۰۱۳ - ۱۸ تیر ۹۲

اسلامی بر علیه، کارگران و بطور ویژه در ادامه سرکوب گسترده فعالین و تشکلهای کارگری است. هدف از این اقدامات و اتهامات واهی تحت عنوان "اقدام علیه امنیت ملی" برای خاموش کردن صدای کارگران در مقابل شرایط سخت شغلی و معیشتی آنان است. فعالین کارگری هیچ جرمی مرتکب نشده اند. تنها جرم آنان دفاع از حقوق خود و همکارانشان است. مجرم اصلی رژیم جمهوری اسلامی است که زندگی کارگران را گرو گرفته است.

اگر تلاش و مبارزه برای آزادی کارگران زندانی در ابعاد وسیع و اجتماعی شکل نگیرد جمهوری اسلامی بعد از اجرای

منزل باز داشت و بعد از گذراندن ۳۲ روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات سندانج با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد که بعد از گذشت حدود ۲۰ روز از آزادی، مجددا در تاریخ ۱۲ اردیبهشت در یکی از خیابان های شهر سندانج دستگیر و بعد از ۱۶ روز بازداشت و با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد گردید. همچنین روز پنجشنبه ۱۳ تیر جلیل محمدی فعال کارگری بعد از گذراندن ۲ ماه بازداشت در اداره اطلاعات سندانج، با قرار وثیقه ۵۰ میلیون آزاد شد.

این احکام و بازداشت تعداد زیادی از فعالین کارگری، در ادامه سیاست سرکوبگرانه جمهوری

در تاریخ ۲۶ خرداد در همان شعبه به صورت غیابی برگزار شده بود. روز شنبه ۱۵ تیر شعبه یکم دادگاه انقلاب سندانج برای خالد حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی حکم ۱ سال حبس تعزیری به اتهام "تبلیغ علیه نظام" را صادر کرد. جلسه دادگاهی خالد حسینی بدون اطلاع وی و به صورت غیابی برگزار شده است. روز دوشنبه ۱۷ تیر، حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی طی دو حضاریه جداگانه به تاریخ های ۲۲ تیر و ۲ مرداد برای حضور در شعبه یک دادگاه انقلاب سندانج دریافت نمود. حامد محمودی نژاد در تاریخ ۱۷ اسفند سال ۹۱ در

بنا به اخبار منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری، قاضی شعبه ۱ دادگاه انقلاب سندانج وفا قادری فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد و حکم در تاریخ ۱۱ تیر به وکیل او ابلاغ شد. اتهام اقدام علیه امنیت ملی توسط دادگاه به این فعال کارگری اعلام گردیده است. روز چهارشنبه ۱۲ تیر شعبه یک دادگاه انقلاب سندانج، حکم یکسال حبس تعزیری را به «بهزاد فرج الهی» فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی ابلاغ نمود. اتهام بهزاد فرج الهی تبلیغ علیه نظام عنوان شده است. جلسه دادگاهی او بدون اطلاع وی

# استراتژی سرنگونی است، کلاهتان را محکم بچسبید، باد نبرد! پاسخی به مصطفی تاج زاده!



## یادداشت‌های روزانه مینا احدی

مصطفی تاجزاده شاید خوشبخت ترین و سینه چاک ترین زندانی مدافع حکومت اسلامی است. در زندان است و هر هفته یک بیانیه میدهد و به مردم پیام میدهد سطح توقعات خود را پایین بیاورد و صبر پیشه کنید و کمک کنید تا اصلاح طلبان و خاتمی چی ها مجدداً به نان و نوایی برسند. ... روز گذشته پنج شبه ۱۰ ژوئیه چشم همه ما به پیام جدید جناب تاج زاده روشن شد. به جوانان میگوید:

به نسل جوان دختر و پسر خاضعانه عرض می کنم که با توجه به مشکلات گسترده و عمیق داخلی و خارجی که عمده ت میراث بی کفایتی حکومت یک دست اقتدارگرا و هم چنین با در نظر گرفتن آن چه در کشورهای مسلمان منطقه می گذرد - تحقق اصلاحات دموکراتیک تا مین توامان استقلال و آزادی و دستیابی به رفاه و پیشرفت هم جانبه و عادلانه جز با دفاع از شعار استراتژیک مهندس موسوی یعنی اجرای بدون تنازل قانون اساسی میسر نیست...

ایشان در دوره خاتمی معاون وزیر کشور بود و همواره در حکومت نکتب اسلامی یک شغل و سمتی داشته و یکی از دست اندکاران حکومتی است که برای مردم و جوانان در آن جامعه جز فلاکت و بدبختی و بی حقوقی و سرکوب، در تمام سی و پنج سال گذشته نتیجه ای نداشته است. جناب تاج زاده از اجرای بی تنازل قانون اساسی بعنوان استراتژی حرکت جوانان حرف میزند...

کدام قانون اساسی؟ همان قانون اساسی که جوان را آدم حساب نمیکنند، همان قانون اساسی که زن را برده جنسی مرد میدانند و کنترل او را فرمان میدهد؟ همان قانون اساسی که در آن اعدام و قصاص و دست بردن و چشم در آوردن، یک اصل مقدس و غیر قابل تغییر اسلامی است؟ همان قانون اساسی که خون زن را نصف خون مرد حساب میکند، ... اگر این قانون نهایت هدف شما و موسوی و کروی و رفسنجانی و خاتمی و همه حاکمین رنگارنگ حکومت اسلامی است، برای نسل جوان اتفاقاً محو و نابودی این قانون کذایی و سرنگون کردن کل این بساط جهل و زور، استراتژی

نهایی است. از همین میترسید. اعتراض جوانان، اتحاد جوانان و بالا رفتن سطح توقع آنها پاشنه آشیل رژیم و نظام اسلامی تان است.

به مشکلات گسترده داخلی اشاره می فرمائید فقط یک دوره احمدی نژاد را نشانه میروید بدلیل اینکه شخص شخیص شما در زندان اوین تشریف دارید، چرا از سنگسار مریم ایوبی در همین روز ۱۱ ژوئیه ۱۲ سال پیش، حرف نمیزنید؟ در زمان ریاست و صدارت خودتان بودید که مادر دو کودک ۶ و ۸ ساله را سنگسار کردید. آژمان که شما معاون وزیر بودید در حالیکه مریم جوان از ترس بیهوش شده بود او را با برانکار آوردند و سنگسار کردند. لابد آژمان شما در کنار خانواده خود لم داده و تئوری حفظ نظام را می نوشتید. چرا از اعدام حداقل صد نفر در این هفته ها حرف نمیزنید. رئیس جمهور محبوباتان روحانی که کر و کور است و این اخبار را نمی شنود، شما که در زندان هستید و حتما فضای رعب و وحشت برای زندانیان سرنگونی طلب و یا محکومین مواد مخدوری و غیره را حس میکنید، شما چرا بیانیه ای نمیدهید و از محکومین به اعدام نمیخواهید که شکر کنند که اعدام میشوند این لابد به نفع روحانی و شما و نظام کذایی تان است؟ از اعدام های گسترده در طول هشت سال حکومت خاتمی چرا حرفی نمیزنید؟ لابد دوره صدارت شما نمونه کامل اجرای بی تنازل قانون اساسی بود؟ وقاحت را به اوج رسانده و حتی از کیسه زندانیان دیگر می بخشید و میگوئید بهتر است با آمدن روحانی کماکان در زندان بمانیم این به نفع نظام است.

اسلامی به قدرت رسیده از دیگر سو. اینرا با گوشت و پوست خود تجربه کردیم و میخواهیم این بساط کثافت اسلامی را بهم بریزیم.

انقلابات در منطقه سوت پایان حکومت‌های اسلامی را میزنند و این سوت برای شما گوشخراش است. ما اینرا می فهمیم چرا که با هر خیزش عمومی در ایران و با انقلاب مردم و جوانان در ایران، سیل و طوفان همه شما را خواهد برد و از این میترسید. جناب تاجزاده فراموش نکنید این انقلابات در ایران شروع شد و در سال ۸۸ جنبش شما این اعتراضات میلیونی را با خدعه و فریب و در عین حال با سرکوب و تجاوز سرکوب کرد. اما این سیکل اعتراض و انقلاب مجدداً به ایران باز خواهد گشت و چون در ایران سی و پنج سال کشتید و چپاول و غارت کردید و فاشسیم عربیانی را بر مردم تحمیل کردید آن انقلاب دیگر همه شما را جارو خواهد کرد. اینرا به شما قول میدهم.

پس زنده باد توقعات بالای جوانان و مردم، زنده باد جوانان رادیکال، زنده باد انقلاب ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۳

## تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصفر کریمی، دبیر کمیته خارج  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

## تلفن تماس با حزب از ایران

شلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden

## چهاردهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان برگزار شد

روز شنبه ۶ ژوئیه چهاردهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد. کنفرانس ابتدا با خوشامدگویی توسط شهناز مرتب و با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم و با یادی از رفیق عزیزمان عطا محمد نژاد شروع به کار کرد. به دنبال آن محمد شکوهی دبیر کمیته آلمان درسخنرانی افتتاحیه به فرازهایی از کار و فعالیت دوره گذشته این تشکیلات اشاره کرده و شروع دوره دیگری از فعالیتهای آتی را در پرتو تحولات جاری سیاسی در ایران و موقعیت ویژه تشکیلات آلمان تاکید کرد.

در ادامه برنامه اصغر کریمی دبیر کمیته خارج کشور حزب سخنرانی کرد و ضمن اشاره به دوره پرتحوالی که انقلاب اخیر مصر یکی از نقاط اوج آن است و تعمیق بحران سیاسی در ایران و زمینه های گسترش مبارزات توده ای و کارگری در ایران، ضرورت تغییرات اساسی در شیوه های فعالیت و سازماندهی در

تشکیلات آلمان و اولویت های دوره ای که در آن قرار گرفته ایم را مورد بحث قرار داد.

سخنران بعدی مینا احدی بود. مینا احدی در سخنرانی خود گفت: جمهوری اسلامی در بن بست کامل است و آمدن روحانی از همان آغاز برای مردم معنایی جز اعدام های گسترده تر و جنایت بیشتر نداشته، در داخل حکومت اسلامی نیز تنش و تشنج بسیار زیاد است، مردم ایران مترصد فرصت هستند و این بار هر تلاطم گسترده اجتماعی، دریایی خواهد بود که تکلیف حکومت اسلامی را روشن خواهد کرد. تشکیلات آلمان بعنوان یک تشکیلات موثر در مقابله با حکومت اسلامی و جنبش اسلامی در آلمان و در دفاع از حقوق انسانی و حقوق پناهندگی باید بتواند پاسخگویی این اوضاع و این دوره باشد.

سیس حاضرین در کنفرانس وارد بحث حول گزارشی که کتبا به کنفرانس داده شده بود و ارزیابی از فعالیت دوره گذشته تشکیلات آلمان پرداختند و ضعف ها و موانع پیشروی سریعتر را مورد بحث قرار دادند. فعالیت علیه

جمهوری اسلامی و روابط دولت آلمان با جمهوری اسلامی، فعالیت در عرصه مبارزه با اسلام سیاسی، در عرصه پناهندگی و در زمینه جنبش رادیکال ۹۹ درصدیها از جمله نکاتی بود که از زوایای مختلف مورد بحث قرار گرفت و بویژه بر ضعف های سازماندهی، ضرورت تمرکز بر سازماندهی تک اعضا و کادرهای حزب در عرصه های مختلفی که مقابل حزب قرار دارد مورد تاکید قرار گرفت.

موضوع بعدی کنفرانس بحث در مورد نقشه آتی فعالیت حزب در آلمان بود. در این مورد کنفرانس مفصلاً در باره جهت گیریها و نقشه عمل فعالیت آتی به بحث پرداخت و بر اساس بحث هایی که در این زمینه صورت گرفت کمیته آتی موظف شد در اسرع وقت نقشه مدونی را تدوین کند و به اجرا درآورد. تغییر وضعیت واحدهای حزب در چند شهر آلمان، سازمان دادن عرصه پناهندگی در سطح سراسری در آلمان، تبلیغ موثر فعالیت های گسترده ای که در این کشور توسط حزب صورت میگیرد از طریق

تهیه فیلم و تبلیغات کتبی و حضور سیستماتیک در میدانی اجتماعی، ضرورت حضور سیاسی فعالتر به زبان آلمانی و سازمان دادن تک تک رفقا در این عرصه ها از جمله نکاتی بود که از جانب حاضرین در کنفرانس مورد تاکید قرار گرفت.

دستور جلسه پایانی کنفرانس انتخاب کمیته آلمان بود. کنفرانس ۱۳ نفر را بعنوان کمیته آتی تشکیلات آلمان حزب به این شرح انتخاب کرد  
سپهلاخسروی، مینا احدی، نوید محمدی، نازنین برومند،

شهناز مرتب، محمد امین کمانگر، احمد رحمانی، محبوبه سیاهمردی، سعید ویسی، علی مردای، شهلا خباززاده، شمی صلواتی و محمد شکوهی. در اولین جلسه کمیته منتخب کنفرانس محمد شکوهی و نوید محمدی به عنوان دبیر و خزانه دار تشکیلات حزب در آلمان انتخاب شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب  
کمیته کارگری ایران- آلمان  
۸ ژوئیه ۲۰۱۳





## تاریخی که بی بی سی روایت میکند

یاشار سهندی

بارها و بارها به نقش بی بی سی در وقایع تاریخ معاصر اشاره کرده و بر نقش ضد انقلابی آن در وقایع معاصر ایران تاکید داشته ایم. بارها نشان داده ایم که چگونه این رسانه با تمام ادعای بی طرفی که دارد سخنگوی يك طیف خاص از ضد انقلاب حاکم است. این اما از روحیه "دائی جان ناپلئون" ما سرچشمه نمی گیرد که همه چیز را توطئه "دولت فخریه انگلیس" بدانیم بلکه واقعیت عربان این رسانه است. مورد آخر آن وقایع اخیر انقلاب مصر و اوج آن حرکت عظیم و تاریخ ساز ۳۰ ژوئن در مصر است.

بی بی سی مانند خود موری باور نمی کرد که چنین محکم و وسیع در ابعاد چند میلیونی مردم به خیابان بیایند تا قدرت واقعی خود را نشان دهند. اگر از جنبش ترمز صحبت شد و با ۲۲ میلیون امضا برای برکناری موری، ایشان از جنبش جعلی به نام تجرد یاد میکردند که ۱۱ میلیون امضا دارد. ۳۳ میلیون انسان به جمعیتی مجهولی تقلیل داده میشد که درکی از دموکراسی ندارند و آن سوی شهر هم گویا چند ده هزار جمع شدند که در پی رئیس جمهور قانونی شان بودند! کودتای ارتش که اقدامی است برای سد کردن مبارزه مردم مصر، اسبابی برای این رسانه فراهم کرد که در ادامه همین کودتای ضد انقلابی، کل انقلاب مردم مصر را تخطئه کنند و آنرا کودتا بخوانند! از روزی که موری سرنگون شده مدام تاکید میکنند که جریانات اسلامی ساکت نخواهند نشست یا دست به ترور خواهند زد یا بمب گذاری خواهند کرد و جنگ داخلی راه خواهد افتاد (اسم این کشتارها را البته ایشان میگویند حرکات رادیکال!). مدام يك دل نگرانی يك دلواپسی ته دل

بیننده خود میکارند. هر گونه حرکت جریانات اسلامی را بزرگ میکنند و بر قدرت ۸۰ ساله اخوان المسلمین تاکید میکنند. در روزی که ارتش و اخوان المسلمین با هم درگیر شدند و ۵۰ نفر کشته روی زمین ماند گزارشگر بی بی سی از چادری که بیمارستان صحرايي میخواند گزارش میداد و تاکید داشت که بگوید این نشانه قدرت اخوان المسلمین است! و مجری این رسانه در بخشی دیگری تاکید داشت که درگیرهایی که بین اخوانی ها و ارتش پیش آمد، اخوانی ها نقش نداشتند بلکه يك کسانی همیشه هستند که درگیری ها را راه میداند و گرنه اخوانی ها خیلی مردمانی صلحجویی هستند (منتها با چاقو و چماق!) و از میهمان برنامه اش میپرسید مگر اینطور نیست! بی بی سی وقتی از تاریخچه این جریان صحبت میکرد از سید قطب گفت به حسن بنا رسید و ادامه داد تا رسید به سید جمال الدین اسدآبادی تا شاید نوستالژی بعضی ها را تحريك کرده باشد و از این یاد کرد که کتابهای سید قطب در ایران دست به دست میگشت (البته اما نمی گفت که این جریان و شخصیتها مورد توجه امثال سازگارا و رضایی بودند) اساس مصاحبه ها و تحلیل های این رسانه حول این محور میچرخد که ثابت کند یکسال فرصت کمی برای مرسی بوده و دموکراسی ایجاب میکند که دوره ریاست جمهوری تمام شود بعد با رای یکی دیگر انتخاب شود. به نظر ایشان به هرحال موری منتخب اکثریت است، مردم خودشان به قانون اساسی موری رای دادند، اگر دوست نداشتند خوب رای منفی میدادند! این که نمی شود مردم در خیابان قدرت را جابجا کنند! يك کسی مثل مهاجرانی که مشاور و سخنگوی هاشمی بوده (که حداقل این رسانه بارها مجبور شده حداقل ادعان کند که ترورهای خارج

## نامه شورای اتحادیه کارگران ونکور در محکومیت قتل افشین اسانلو

ریاست جمهوری احمدی نژاد  
موضوع: کانادا مرگ افشین اسانلو در  
زندان را محکوم میکند



اطلاعیه شماره ۱۱۷

افشین اسانلو يك فعال سرشناس کارگری در ۲۱ ژوئن در سن ۴۲ سالگی در اثر ایست قلبی در زندان رجایی شهر در ایران درگذشت. ما مطلع شده ایم که افشین اسانلو هیچگونه سابقه بیماری قلبی نداشته است. او در پاییز ۲۰۱۰ دستگیر شد، زیر شکنجه قرار گرفت و به خاطر مبارزه در دفاع از کارگران به ۵ سال زندان محکوم شد.

بدین ترتیب افشین اسانلو به لیست طویل فعالین سیاسی که در زندان جان سپرده اند، پیوست. این لیست شامل کسانی چون ستار بهشتی، هدی صابر، زهرا بنی یعقوب، محسن دگمه چی، منصور رادپور، زهرا کاظمی، امید رضا میرصفی، حشمت ساران، البرز قاسمی، اکبر محمدی و علی اکبر سعیدی سیرجانی است.

رژیم شما از طریق اذیت و آزار فعالین سیاسی، شکنجه و خودداری از معالجه زندانیان، در قبال مرگ این کارگران زندانی و فعالین سیاسی مسؤل است.

بار دیگر ما خواهان آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران و مراقبت درمانی کامل برای همه زندانیان مطابق استانداردهای بین المللی هستیم. از طرف ۶۰ هزار کارگر عضو در شورای اتحادیه کارگران ونکور و حومه در کانادا از شما میخوایم برای عملی کردن خواست های فوق الذکر اقدام کنید و اطمینان دهید که حق تشکل و فعالیت برای متشکل کردن کارگران تضمین خواهد شد.

با ارادت

جوی هارتمن

مدیر کل شورای اتحادیه های کارگران ونکور، کانادا

۹ ژوئیه ۲۰۱۳

بدنبال تلاش مسعود ارژنگ از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی و عضو شورای اتحادیه کارگران ونکور، جو هارتمن به نمایندگی دبیر کل این اتحادیه طی نامه ای خطاب به احمدی نژاد قتل افشین اسانلو در زندان جمهوری اسلامی را شلینا محکوم کرد. او در این نامه خواستار آزادی فوری همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شده است.

شورای اتحادیه های کارگری کانادا، در برگیرنده ۱۱۵ اتحادیه با ۶۰ هزار عضو می باشد. ترجمه فارسی این نامه ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۰ تیر ۱۳۹۲ - ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۳

Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
om Bah-ram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

ترجمه فارسی نامه شورای اتحادیه های کارگران ونکور به احمدی نژاد در محکومیت قتل افشین اسانلو در زندان جمهوری اسلامی

از: جو هارتمن

به: محمود احمدی نژاد

تهران، جمهوری اسلامی ایران

ارسال از طریق ای میل

## بدحجابی، بیحجابی، برهنگی

### فرح صبری

در هفته های اخیر مردم به بهانه های مختلف به خیابانها آمدند و زن و مرد دست در دست یکدیگر رقصیدند و شادی کردند و زنان حجابهایشان را پرتاب کردند و این جسارت جوانها مرده های متحرکی مثل "مکارم شیرازی" را به رعشه انداخته است و مثل اسپند روی آتیش بالا پایین میبرد و به بهانه ی هفته ی حجاب و عفاف فریاد وا اسلاما سر داده و بخصوص به جناب کلید دار بزرگ تذکر میدهد که ای جناب شل بگیری سفت میخوریم! او اینگونه ناله میکند که: "در ۸ سال گذشته خیلی به حجاب بی وفایی و بی اعتنائی شد و الان که نگاه میکنیم در مجموع اوضاع خوبی نیست".

معلوم نیست این ۸ سال این پیر خرفت در کدام غاری به خواب رفته بوده که به نظرش میاید که به حجاب بی اعتنائی و بی وفایی شده! نه حضرت آقا یادتان نیست در این هشت سال چه فرامین قرون وسطایی توسط برادران گرامتان برای حفظ حجاب در جامعه اجرا شد. یادتان میاید که که سر هر میدان ون های نیروی انتظامی و گشت ارشادی که دسته دسته مردم را میگرفتند و تلاش میشد فضای رعب و وحشت ایجاد کنند. یادتان رفته که دست زنان را به دلیل داشتن ناخن تا آرنج در سطل پر از سوسک فرو میکردید! شما يك تیر خلاص زن اوین را برای همین از صندوقهای رای بیرون آورده بودید تا به قولی شمشیر را از رو ببندد و بعد از کمدی دولت اصلاحاتتان خواسته بودید روی مردم را کم کنید. حالا دارید در حق این برگزیده ی بیت مرتجع رهبری تان کم لطفی میکنید! این غداره بندان که آورده بودید آنچه به عقل ناقصشان میرسید، انجام دادند. تنها چیزی

که شما فراموش میکنید و یا از شدت ترس نمیخواهید باور کنید قدرت عظیم مردمی است که دیگر شما را نمیخواهند و پرچم حجابتان را زیر پا لگدمال میکنند! ایشان ادامه میدهد که: "اگر حجاب را حفظ نکنیم در نهایت نظام ضربه میخورد چرا که ضد انقلاب از هر فرصتی با کشف حجاب برای تضعیف نظام استفاده میکند" و تاکید میکند: "باید در فضای جدید که بحمدالله! فضای آمده تری است بتوانیم جبران بکنیم". و گوشزد میکند که به روحانی هم تذکر داده است.

البته که شما مثل همیشه تلاش میکنید که فضا را "آماده" کنید و به همین سبب طنابهای دارتان را به رخ مردم میکشید و با شروع موج جدید اعدام بعد از انتخابات میخواهید به مردم بیش از پیش بفهمانید که در بیرحمی و قساوت یکه تاز هستید اما دیدید چطور جوانها پوزه تان را به خاک مالیدند و در میدانهای تهران جنبش علیه اعدام برافراشته با برگزاری تاتر و جلب حمایت مردم اجازه ندادند دوباره با اعدام يك نوجوان دیگر شادی را به مردم حرام کنید! و یا اینکه دوباره احکام سنگسار صادر میکنید ولی این جنبش عظیم انسانی به شما اجازه ی تکرار این جنایت را نمیدهد و هر چه خاک بکنید بر سر خودتان میریزید!

البته پریشان حالی مکار بزرگ به همین بد حجابی ختم نمیشود و از بی حجابی و البته "برهنگی" گلایه دارد. البته این روزها بیحجابی هم پدیده ی جدیدی نیست چرا که زنان از هر فرصتی و در هر جایی از ماشین و مترو گرفته تا پیاده روهای شلوغ استفاده میکنند و مسیری را بدون حجاب میروند اما امروز نه تنها زنان در اتومبیل ها حجابهایشان بلکه مانتوهای نیم بندشان را نیز کنار میگذارند

و همین اوضاع خواب را از چشم آیت الله ملیاردر ربوده است. در روزهای اخیر سراغ هر کدام

واقع ابراز عجز میکند که کمبود امکانات دارد و اشاره میکند که نمیتواند دختران و پسران جوان مردم را که حالا يك تخطی کرده است کنار اشارار بیندازد و



از این مفت خورها که بروید دلش از دست اوضاع خون است. بتازگی امام جمعه ی مشهد نیز از دستگاه قضایی گلّه کرده که خوب کار نمیکند و با دختران و پسرانی که به اسلام دهن کجی میکنند برخورد نمیشود! و این شکوه و گلایه ها جناب آملی لاریجانی را به دفاع از خود واداشته که بابا انصاف داشته باشید هر خاکی بود بر سرمان ریختیم چاره ی دیگری نداریم و در

در واقع کمبود امکانات فضای زندان دارد. البته که این جنایتکار بزرگ دلش برای دختران و پسران جوان مردم نمیسوزد بلکه میدانند اگر بخواهد همه ی جوانانی که به اصطلاح دهن کجی به اسلام میکنند دستگیر کند در واقع باید همه ی مردم را دستگیر کند. به همین دلیل ناچار است دهن کجی به اسلام را نادیده بگیرد!

آنچه که تمام اعیان و انصار



رژیم را به عجز واداشته است جنبش توده ای وسیعی است که در هر فرصتی اعتراضش را به همه ی بساط اسلامیان ابراز میکند و آنها را به استیصال و میدارد. باید با اتحاد و یکپارچگی هر چه بیشتری با خواستها و مطالبات روشن و با پرچم زنده باد دنیای بهتر سوت پایان زندگی جهنمی جمهوری اسلامی را به صدا در آوریم و دنیایی شاد و بدور از تبعیض بسازیم!

## تحصیل حق اساسی همه ماست!

### مینا احدی

۲۰۱۲ از طرف مجله تایمز بود و سرنوشت او دنیا را تکان داد. او خواهان حق تحصیل برای دختران بود و خود از ۱۴ سالگی به نوشتن روی آورده بود و وبلاگ نویسی میکرد و بدلیل همین فعالیتها طالبان در جریان يك حمله تروریستی به سرش شلیک کردند. "من اغلب به ان فکر میکنم و آن صحنه را به روشنی میبینم. حتی اگر برای کشتن من بیایند، به آنها خواهم گفت که اشتباه میکنند. تحصیل حق اساسی همه ماست."

ملاکه صدای اعتراض میلیونها کودک میلیونها دختر از کشورهای اسلام زده است. کشورهایایی که زن را قانونا انسان

امروز جمعه ۱۲ ژوئیه مالاه یوسفزای جشن تولد دارد. او امروز ۱۶ ساله میشود و همچنین امروز روز مهمی برای ملاه است چرا که در سازمان ملل متحد يك سخنرانی ۱۵ دقیقه ای در دفاع از حق تحصیل برای همه کودکان جهان و بویژه برای دختران انجام میدهد و سپس میخواهد طوماری را که از همه دولتهای عضو سازمان ملل دعوت میکند که بیش از پیش برای آموزش بکوشند، به بان کی مون بدهد.

ملاه مهمترین دختر در سال

به ملاه یوسف زای درود میفرستیم و برای او در روز تولد ۱۶ سالگی اش آرزوی موفقیت میکنیم.

۱۲ ژوئیه ۲۰۱۳

stopstonningnow.com  
nofonemoreexecution.org  
ex-muslim.de

## روحانی و اعترافی .....

از صفحه ۴

تغییرات تدریجی دعوت میکنند. "اصلاح گرایی" در جمهوری اسلامی یعنی اعدام تدریجی، سنگسار تدریجی و تحمیل فقر و فلاکت دائمی به مردم، روحانی نیز به این معنا "اصلاح طلب" شده است.

## اقتصاد ورشکسته و رویای هندی

جمهوری اسلامی اصلاح بردار نیست. این استیصال رژیم اسلامی در برابر مبارزات هر روزه مردم ایران علیه حکومت آپارتاید جنسی، علیه خفقان و سرکوب و علیه فقر و فلاکت است. روحانی با گفتن همه این حرفها، نهایتاً مردم را به دوران "اصلاحات" یعنی دورانی که وقتی کارگران خاتون آباد علیه بیکاری به پاخاستند، به صفشان گلوله بسته شد و اعتراضات دانشجویان را با سرکوب پاسخ دادند و قتل های زنجیره ای از جمله پرونده جنایتان است، حواله میدهد.

جالب تر اینکه وقتی کنه حرفهای این جناب تازه "اصلاح طلب" شده عیانتر میشود که او سراغ اقتصاد میرود. او میگوید: "اول جهت حرکت کشور را درست کنیم و معلوم شود قصد ما حرکت در جهتی است که امیدبخش است". بعد مثال کشور هند را می آورد و میگوید: "سطح کلی کیفیت زندگی در هندوستان پایین تر از ایران است. صدها میلیون هندی حتی به دست شویی بهداشتی هم دسترسی ندارند. ولی رشد اقتصادی و حرکت هند به سوی جامعه ای توسعه یافته تر، امیدی در دل متخصصان هندی ایجاد کرده و متفکران هندی در درون دموکراسی هند که

بزرگترین دموکراسی دنیا خوانده می شود، اثربخشی ای برای خود احساس می کنند که آن ها را امیدوار کرده است و این جامعه دارد با نیروی متخصصان خود جلو می رود." متوجه شدید؟ او از اینکه سرمایه داران هند پول و ثروت می اندوزند و مردم حتی دستشویی و توالت ندارند دهانش آب افتاده است. او با این مثال آینده ای با فقر و فلاکت را در مقابل جوانان و مردم ایران میگذارد، تا اقتصاد به گل نشسته جمهوری اسلامی شکوفا شود. اما امروز باید برای همه روشن باشد که بن بست اقتصادی جمهوری اسلامی بدون سرنگونی خود این حکومت حل شدنی نیست.

یک بحث دیگر او نیز در جایی دیگر ادامه طرح "هدفمند کردن یارانه ها" و البته این بار با چاشنی اضافه کردن "بن کالایی" و در عین حال حذف بخش های دیگری از مردم از شمولیت یارانه های نقدی است. وقتی هم که از دستمزد کارگر سخن میگوید، همه قولش اضافه کردن ۴۰ درصد به دستمزد چند بار زیر خط فقر سال گذشته یعنی رقمی در حدود ۵۴۰ هزار تومان است. این درحالیست که خودش در جریان صعود قیمت ها در همین فاصله هست و میداند که با طرحهایی که در آستین دارند چه بر سر قیمت ها خواهد آمد. بودجه سال ۹۲ شان را نیز از قبل تصویب کرده اند و یک قلم آن حذف ارز مرجع در تهیه یکسری کالاهای اساسی مردم است که به گفته خودشان اجرای آن دارو را ۴۰ تا ۹۰ درصد و در بازار آزاد دو تا سه برابر آن افزایش میدهد و تاثیر مستقیمش را بر افزایش قیمت

گوشت و مواد غذایی دیگر و افزایش سرسام آور قیمت ها خواهد گذاشت.

اینها همه طرحهای روحانی برای "شکوفایی" اقتصاد فروپاشیده رژیم اسلامی است. همان طرحهای رفسنجانی سردار سازندگی که در دوره ریاست جمهوری اش به شکست رسید. روحانی همانقدر "اصلاح گرا" است که رفسنجانی بود.

بویژه اتفاقاتی که هم اکنون در ترکیه و مصر و برزیل شاهدش هستیم، شکست چنین رویاهایی را به روشنی نشان میدهد. ایران فرسنگها تا ترکیه و برزیل که دهان خیلی اصلاح طلبان را آب انداخته فاصله دارد. اما ب در همان کشور ترکیه با اقتصادی که شاید ششمین کشور جهان باشد، مردم چنین علیه دولت اسلامگرای اردوگانی و اقتصاد شکوفایی که پدر مردم را در آورده است، به پا خاسته اند و بطلان همه این گفته ها را به روشنی مقابل مردم ایران و جهان گذاشته اند. مصر نیز نمونه دیگری از شکست اسلام سیاسی نوع رام شده و عقب نشسته است.

رژیم اسلامی از همان آغاز تولدش، رژیم تورم و فلاکت اقتصادی برای مردم بوده، حالا روحانی با رویای تبدیل ایران به کشور هند و شکوفا شدن اقتصادش، فکر میکند برایشان مفری وجود خواهد داشت. کلید طلایی او نیز برای اجرای همه این نسخه ها رابطه با غرب است. که تازه همان هم برایشان مقدر نیست. معضلی که یک گفتمان همیشگی درون رژیم و موضوع جنگ و جدالهایشان بوده و یک بن بست جدی برای حکومت اسلامی است. همه افتخار روحانی در گفتگوهایش اینست که او زمانی که در مقام شورای عالی امنیت

کشور، مسئولیت مذاکره با غرب را بر سر انرژي هسته ای داشته توانسته است، ظاهراً جلوی تحریم ها و جنگ را بگیرد. این را در گفتگو با چلچراغ نیز میگوید. اگر چه باید گفت حتی در صورت نوشیدن این جام زهر و رفتن پای مذاکره با غرب، تازه باز این مردمند که با خواستههایشان متعرض تر به جلو آمده و به رژیم اسلامی امان نخواهند داد.

حرفهای روحانی و قرار گرفتنش در کنار کسانی چون خاتمی و رفسنجانی که او را به جلو هل داده اند و خود بعنوان یک پای "فتنه ۸۸" در لیست سیاه جمهوری اسلامی قرار دارند، همه و همه موضوع جنگ بزرگی در بالای حکومت است. همانطور که قبلاً هم گفته ایم جمهوری اسلامی از درون مضحکه انتخاباتی متشتت تر بیرون آمده و همه این موضوعات آغاز دور جدیدی از نزاعهای درون حکومت است.

اما صحبت های روحانی یکطرفه و های و جنجالی که از سوی اپوزسیون درون حکومتی و ملی اسلامی ها پیاپی شده طرف دیگر ماجراست. جریاناتی که

خود را در اضمحلال میدیدند، جان تازه ای پیدا کرده و حول این گفتمان ها به تقلا افتاده اند. بی سی و صدای آمریکا نیز همراه با این جنجال و هیاهو و با کوبیدن بر طبل حل تدریجی مشکلات، مردم را به انتظار دعوت میکنند. تا بلکه مفری برای کل نظام پیدا کنند. اما اینها همه تقلاهای ضد انقلاب در مقابل انقلابیست که در ایران دارد شکل میگیرد. تقلاهایی که باید نقد و افشایشان کرد و در دل این کار صاف مبارزات مردم را متحد تر و سازمان یافته تر کرد.

خلاصه کلام اینکه حرفهای روحانی و اتفاقاتی که در این مدت شاهدش بوده ایم، همه شواهدی است بر یک شرایط سیاسی جدیدی در اوضاع ایران که بیش از هر چیز بن بست جمهوری اسلامی را در برابر مردمی که این رژیم را نمیخواهند، به نمایش میگذارد. شواهدی که نه تنها بیش از هر چیز قدرت مبارزات مردم را نشان میدهد، بلکه نشانگر توازن قوایی آماده تر برای سازمانیابی در تمام عرصه های نبرد برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی است.\*

## تاریخی که بی بی سی روایت میکند

از صفحه ۹

است. تنها اصلی که رعایت میکنند همین است. برای همین باید تاریخ را وارونه جلوه دهند بر این اساس است که مفسرشان میشود یکی مثل نگهدار یا سروش یا حقیقی نامور و ... یا کارمندان رسمی اش نظیر مسعود بهنود که همواره مدافع سرسخت بقای حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی بوده است. تاریخی که این رسانه منتشر میکند نه تنها وارونه، بلکه کریه است و زشت و بیقواره است.\*

خواب مردم سرك میکشد. از مخوف ترین سازمانهای امنیتی که هر فعالیت شما را رصد میکنند تا فلان بسیجی چماق بدست سر چهار راه. دنیا محل ناامنی باید جلوه داده شود که توده مردم احساس ضعف کنند و دست به هیچ کاری نزنند جز دعا و آرزوی روز موعدی که مسیح بیاید یا شاید هم مهدی. کار اصلی بی بی سی ایجاد احساس ترس و دلهره در دل مردم

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## جان محمد جراحی در خطر است



### اطلاعیه شماره ۱۱۴

بنا بر گزارش کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری، محمد جراحی از اعضای این کمیته و از چهره های شناخته شده کارگری در شهر تبریز که ماههاست به دلیل شرایط غیر انسانی زندان بیمار است، از جانب نهادها و مقامات زندان جمهوری اسلامی با موانع گوناگونی روبرو است.

فشار بر روی زندانیان سیاسی، شکنجه دائم جسمی و روحی آنها، حتی جلوگیری از درمان زندانیان است و فشار به خانواده های زندانیان سیاسی، همه و همه از جمله سیاست های جنایتکارانه رژیم اسلامی در زندانها است. زیر این فشارها است که افشین اسانلو از فعالین کارگری زندانی، در زندان گوهردشت جان سپرد. نباید گذاشت چنین جنایاتی در زندان تکرار شود. با اعتراضی گسترده خواهان درمان فوری محمد جراحی و آزادی فوری وی از زندان شویم. محمد جراحی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۱۸ تیر ۹۲، ۹ ژوئیه ۲۰۱۳

محمد جراحی قبلاً نیز بدلیل مشکل غده تیروئید که سرطانی شده بود، زیر عمل جراحی قرار گرفت و جنایتکاران اسلامی وی را بعد از عمل به بیمارستان بازگرداندند. او اکنون به درمان فوری نیاز دارد و با وجود اینکه خانواده اش کلیه هزینه درمان را به حساب بیمارستان واریز کرده اند، اما چندین روز است که از تاریخ کمسیون پزشکی او میگذرد و هنوز وی را به بیمارستان منتقل نکرده اند. به گزارش کمیته پیگیری عدم درمان بیماری برای او میتواند خطر جانی برای او داشته باشد و مسئولین زندان و همچنین قوه قضاییه باید پاسخگوی عواقب این مساله باشند.

محمد جراحی بخاطر مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران ۵ سال حکم زندان دارد و سومین سال آنرا میگذراند.

## جلیل محمدی بعد از ۳۲ روز از زندان آزاد شد

وفا قادری و خالد حسینی دو فعال کارگری در سنندج به یکسال زندان محکوم شدند  
حامد محمودی به " دادگاه" احضار شد



کارگران فشار آورده بود که از عضویت در کمیته هماهنگی استعفا دهند اما آنها بر حق خود در عضویت در تشکل های کارگری پافشاری کردند.

### حامد محمودی نژاد به " دادگاه" احضار شد

حامد محمودی نژاد عضو دیگری از کمیته هماهنگی فعالین کارگری شهر سنندج، طی دو احضاریه جداگانه به تاریخ های ۲۲/۴/۹۲ و ۲/۵/۹۲ به حضور در شعبه یک دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در سنندج فراخوانده شده است.

این موارد نشانه گسترش فشار به فعالین و رهبران کارگری است که باید با گسترش اعتراض خانواده ها و مردم آرایخواه پاسخ گیرد. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۱۸ تیر ۹۲، ۹ ژوئیه ۲۰۱۳

از اعضای دیگر این کمیته توسط قاضی شعبه ۱ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر سنندج تحت عنوان "اقدام علیه امنیت ملی به یکسال زندان محکوم گردید. این حکم در تاریخ ۱۱ تیر به وکیل وی ابلاغ شده است.

### صدور حکم ۱ سال زندان برای خالد حسینی

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز شنبه ۱۵ تیر شعبه یکم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در سنندج، خالد حسینی فعال کارگری و عضو دیگری از این کمیته به اتهام "تبلیغ علیه نظام" را به یک سال زندان محکوم کرد. جلسه دادگاهی این فعال کارگری بدون اطلاع وی و به صورت غیابی برگزار شده است.

جرم وفا قادری و خالد حسینی همانند سایر کارگران زندانی دفاع آنان از خواسته های برحق خود و مبارزه برای داشتن حق تشکل است. جمهوری اسلامی به این

### اطلاعیه شماره ۱۱۵

بنا بر گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز دوشنبه ۱۷ تیرماه جلیل محمدی عضو این کمیته و از فعالین کارگری در شهر سنندج بعد از ۳۲ روز بازداشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومان از زندان آزاد شد. آزادی وی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم.

در مدت بازداشت جمیل محمودی خانواده وی به همراه تعدادی از مردم مرتباً برای آزادی وی تجمع کرده و خواهان آزادی او شدند و این اعتراضات تاثیر مهمی از باخبرماندن منظم خانواده جمیل از وضع وی و آزاد شدن جمیل داشت.

### وفا قادری فعال کارگری به یکسال زندان محکوم شد

بنا بر گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، وفا قادری یکی